



هنر صنایع اسلامی در افغانستان

قسمت دوم

هنر اسلامی یکی از دوران‌های شکوهمند تاریخ هنر و یکی از ارزشمندترین دستاوردهای بشری در عرصه هنری به شمار می‌آید و شامل انواع متنوعی از هنر همچون معماری، خوشنویسی، نقاشی، سرامیک میناتوری، گنبد سازی و مانند آن‌ها می‌شود. خوشنویسی بارزترین هنر اسلامی است. سرزمین‌های اسلامی خط زیبا را نه فقط در نگارش قرآن، بلکه در اغلب هنرها به کار می‌بردند. نقاشی اسلامی به تدریج در سرزمین‌های اسلامی اهمیت یافت. با سقوط خلافت عباسی طی دوره ایلخانی هنرهای کتاب‌سازی و نقاشی رشد شگرفی کرد. تاثیر هنر چین و نقاشی‌های آسیای شرقی و آسیای مرکزی در این دوران مشهود است. سنت نقاشی ایلخانی در دوره تیموریان پی گرفته شد و در دوره صفوی به اوج رسید. کمال‌الدین بهزاد، بزرگ‌ترین و مشهورترین نقاش (میناتور) اهل هرات عصر تیموری در قرن دهم هجری بود. معماری اسلامی زیاده در دوره سلطنت غزنویان، غوریان، تیموریان و مغلیان هند مروج بوده است. که اکثریت تا حال موجود است. شاید یکی از مهم‌ترین نموده‌های هنر اسلامی معماری مساجد چهار ایوانه و ستون‌دار است که معرف هنر معماری اسلامی است. این عمارت‌های باشکوه، می‌تواند تاثیر فرهنگ‌های متفاوت در درون تمدن اسلامی را نشان دهد. از نخستین بناهای اسلامی در افغانستان مسجد نه‌گنبد (حاجی پیاده یا نوبهار باستان) در بلخ است که در نیمه سده نهم میلادی به سبک سامانی بنا شده است. (آرتوکونا)



هنر صنعت در دوره غزنویان

حکومت غزنویان از نظر هنردوستی و توجه به شاعران فارسی‌سرا از اهمیت بالایی برخوردار است. در زمان سلطان محمود و پسرش سلطان مسعود غزنوی غزنی به مرکز سیاسی و فرهنگی آسیای میانه و هند تبدیل می‌شود. آثار آنرا می‌توان در تعداد زیادی از ویرانه‌های بناهای یزرگ و عظیمی نشان داد که هنوز در اطراف و محلات غزنی پراکنده‌اند. مولفین اولیه اسلامی عصر غزنویان، از تعداد زیاد باغ‌ها، مساجد، منارها، مدرسه‌ها و قصرهای غزنی یاد می‌کنند. از بناهای مشهور دوره غزنوی می‌توان به کاخ سلطان مسعود اول، مقبره سلطان محمود غزنوی، مسجد جامع عروس آسمان و مسجد لشکری بازار اشاره نمود. در دربار محمود چهارصد شاعر و عالم جمع شده بودند، عنصری بلخی، فرخی سیستانی، عسجدی مروزی و دانشمند تاریخ نویس ابوریحان بیرونی از آن جمله بودند. زرگری شیشه‌سازی اسلحه‌سازی معماری درین دوره رشد نموده بود.

هنر صنعت در دوره غوریان

از آثار بجای‌مانده از عصر سلسله غوریان در افغانستان، منار جام در ولایت غور است که در سده دوازدهم میلادی، در عصر سلسله غوریان بنا شده و گمان می‌رود این منار یا بُرج پیروزی نمایانگر شهر فیروزکوه، پایتخت سلسله غوریان باشد. منار جام ۶۵ متر ارتفاع داشته و متشکل از یک قاعده هشت ضلعی است که ۹ متر عریض بوده و ۴ استوانه مخروطی مانند در بالای آنست. در اینجا یک راهزینه دوگانه در داخل قاعده و استوانه اولی است. تمام برج که از خشت پخته ساخته شده، در بیرون بواسطه خشتکاری تزئینی پوشانیده شده، بشمول شبکه‌کاری‌های که تشکیل‌کننده کتیبه‌ها و سوره ۱۹ قرآن (سوره مریم) است. در همسایگی جام یک‌تعداد زیاد استحکامات و برج‌ها کشف شده‌است. اینها شاید بخشی از کارهای دفاعی محافظت‌کننده قلب سرزمین امپراطوری غوری باشد. در سال ۲۰۰۲ (میلادی) مرکز حفظ میراث جهانی یونسکو خواستار ثبت این منار در فهرست میراث فرهنگی جهان شد یکی از آثار بزرگ غوری‌ها، مسجد جامع بزرگ هرات است. این مسجد شامل قبر غیاث‌الدین محمد غوری نیز است که در ۱۲۰۲ م در هرات می‌میرد. یادگار مهم دیگر مدرسه شاهی مشهد در شمال شرق هرات به امتداد ساحل چپ رود مرغاب است. بقایای غوری‌ها یا حداقل تعمیرات مربوط به زمان غوری‌ها در بامیان (شهر ضحاک و شهر غلغله) و در چشت غرب هرات نیز تشخیص شده‌است. یک منار مشهور از این‌زمان، منار دولت آباد در شمال بلخ است که

در اوایل سده ۱۲ ساخته شده است. بالاخره کمان (تاق) مشهور بُست نیز می‌تواند مربوط به دوران غوری‌ها باشد. این ساختمان در پای ارگ بُست برافراشته شده و شاید مدخلی برای یک مسجد بزرگ یا خود ارگ باشد. تزئینات این کمان با منار دولت آباد قابل مقایسه است.

تیموریان

دوره تیموریان ۷۷۱ - ۹۱۱ ه. ق/ ۱۳۷۰ - ۱۵۰۶ م) به رغم نابسامانی و منازعات داخلی و خارجی، دوره رونق فرهنگ، هنر، ادبیات، تاریخ، ریاضی و نجوم بود. دربار هرات به سبب هنرپروری و هنرمندی فرمانروایان تیموری، محل تجمع و آمد و شد هنرمندان و ادیبان برجسته بود تیمور با اینکه بسیار خونریز بود ولی به دانش و هنر علاقه نشان می‌داد. از این رو هنرمندان و صنعتگران از کشتارهایش در امان بودند. فرزند او شاه رخ و نوه‌هایش الغ‌بیگ، بایسنقر میرزا و ابراهیم میرزا نیز این سیاست را پی‌گرفتند. هنر نقاشی و خوشنویسی در دوره تیموری به شکوفایی قابل توجهی دست یافت.

فرمانروایی شاه رخ را سرآغاز یک عصر جدید و تجدید حیات در بعضی از انواع هنر معرفی کرده‌اند. در کتاب‌های پدیدآمده در این دوره شامل نفیس‌ترین مینیاتورها و استادانه‌ترین خوشنویسی‌ها هستند که به زیبایی تمام صحافی و جلدآرایی گشته‌اند. پاره‌ای از زیباترین نقاشی‌ها، ریشه در مکتب هرات دارند که بطور کامل با حمایت شاهزاده‌های تیموری در شهر هرات شکل گرفت و استاد بزرگ نقاشی یعنی کمال الدین بهزاد برخاسته از چنین مکتبی است. خطوط زیبای فارسی نظیر خط نستعلیق در دوره جانشینان تیمور شکل گرفت و آخرین مراحل تکاملی اش را در این دوره طی نمود. همچنین پاره‌ای از زیباترین آثار معماری ایرانی در این دوره به وجود آمد که از آن جمله می‌توان به مسجد گوهرشاد در مشهد و مسجد جامع گوهرشاد در هرات اشاره کرد. سلطان حسین بایقرا از فرمانروایان متاخر تیموری نیز حامی هنرها، علوم و ادبیات بود. ابوسعید پادشاه توانا، با کفایت، هنردوست این خاندان نیز خود هنرمندی قابل بود. میراث فرهنگی و هنری تیموریان در دوران صفوی در ایران و گورکانیان در هند پی گرفته شد.

بلخ

شهری باستانی که با دیوارهای بلند دفاعی محاط بوده و توسط دژ بالاحصار واقع در شمال آن مستحکم می‌شده‌است. آثار تاریخی که در احاطه این دیوارها قرار دارند عبارتند: از تپه زرگران، تپه‌ای مصنوعی که قدمت آن به سده دوم پیش از میلاد برمی‌گردد کاشی‌کاری‌شده مسجد خواجه ابونصر پارسا از جمله بناهای تاریخی بجای‌مانده از عصر تیموریان، متعلق به سال ۱۴۶۰/۶۱ میلادی است، و مدرسه سید سبحان‌قلی‌خان، متعلق به سده هفدهم، که از آن تنها یک ایوان (درگاه قوسی) با مقداری تزئینات باقی مانده‌است. آثار تاریخی دیگر در جنوب بلخ عبارتند از: تخت رستم (افغانستان)، و مسجد نه‌گنبد (حاجی پیاده یا نوبهار باستان) که در نیمه سده نهم میلادی به سبک سامانی بنا شده و یکی از نخستین بناهای اسلامی در افغانستان است.

غزنی

از شهرهای تاریخی افغانستان است و زمانی پایتخت غزنویان و سلسله غوریان (سده‌های یازدهم تا سیزدهم میلادی) و بعدها تیموریان (سده‌های پانزدهم تا شانزدهم میلادی) بود. در زمان سلطان محمود و پسرش سلطان مسعود غزنوی به مرکز سیاسی و فرهنگی آسیای میانه و هند تبدیل می‌شود. آثار آنرا می‌توان در تعداد زیادی از ویرانه‌های بناهای یزرگ و عظیمی نشان داد که هنوز در اطراف و محلات غزنی پراکنده‌اند. مولفین اولیه اسلامی عصر غزنویان، از تعداد زیاد باغ‌ها، مساجد، منارها، مدرسه‌ها و قصرهای غزنی یاد می‌کنند. چیزهای زیادی از غارت در امان نمانده، اما حوزه وسیعی از ویرانه‌های بناهای تاریخی، بین شهر کهنه غزنی، که با حصار احاطه شده، و روستای روضه واقع بر روی یک تپه، هنوز وجود دارد. دو منار بلند بجای‌مانده از دوره غزنویان از ارزشمندترین این بناهاست که هنوز در وضع خوبی پابرجاست. هر دو منار از خشت پخته و در بالای پلان یک ستاره هشت ضلعی ساخته شده‌است. یکی از اینها توسط سلطان مسعود غزنوی (مسعود سوم) ساخته شده و دیگری در جوار او توسط بهرامشاه اعمار گردیده‌است. آثار معماری اولیه اسلامی، که مشابه آن در شمال افغانستان و ترکستان نیز یافت می‌شود، در غزنی خودنمایی می‌کنند. قصر مسعود سوم مجموعه‌ای وسیع از چهار ایوان، یک مسجد و چند شبستان است. تزئینات باشکوه، از خشت پخته و گچ، با رنگ‌های روشن رنگ‌آمیزی شده‌اند. نقش‌های هندسی و متن‌های فارسی حک‌شده از ابتکارات غزنویان بوده که اوج شکوه و شوکت آنان را نشان می‌دهد. برخی از قطعات آن به موزیم کابل انتقال داده شدند. بسیاری از آرامگاه‌های شخصیت‌های مهم

غزنوی در اطراف شهر پراکنده‌اند، که از آن جمله می‌توان به مقبرهٔ سبکتگین ، مقبرهٔ شاه شهید و [آرامگاه سلطان محمود غزنوی (که ارزشمندترین آنهاست) و باغ آن که امروزه روضه نامیده می‌شود، اشاره کرد. تعداد زیادی ابزار برنز و سفال نیز در اطراف و محلات غزنی کشف شده‌اند.

لشکری بازار

پایگاه باستان‌شناسی لشکری بازار که امروزه در منطقه‌ای بیابانی در امتداد سواحل رود هلمند ، در بین بُست و لشکرگاه (مرکز ولایت هلمند) واقع است، در عصر غزنویان و سلسله غوریان و حتی بعد از آن مجموعه‌ای از قصرها، مسجد، و بناهایی همچون بازار و کارگاه‌های صنعتگران و هنرمندان را در خود جای داده بود که هنوز بقایای آن بشمول قصرهای متعدد مانند غزنی توسط حیاط‌ها با ایوان‌ها و مجسمه‌های گچی و نقاشی دیواری تزئین‌کننده دیوارها امروز دیده می‌شود. بازهم مانند غزنی، مواد تعمیراتی عمدتاً خشت بوده و خشت‌ها بعنوان یک اثر تزئیناتی بسیار مرغوب بکار رفته‌است. بزرگترین و جنوبی‌ترین سه قصر تشکیل‌کننده یک مستطیل حدود ۱۰۰ در ۲۵۰ متر است. اتاق‌های قصر بدور یک حیاط مستطیلی قرار دارد که در هر چهارجانب بواسطه یک ایوان جابجا شده در وسط هر جانب قرار دارد. نقاشی‌های گچی و رنگی بالای دیوارها و پایه‌ها نشان‌دهنده محافظین کاملاً مسلح در بالای یک زمینه گل‌ها، حیوانات و مایه‌های دیگر است. دیوارهای با برجهای نیم‌دایروی تقریباً تمام مجموعه را احاطه نموده‌است.

هرات

شهری بزرگ است، که بخش قدیمی آن (شهر کهنه) توسط بقایای دیوارهای عظیم گلی احاطه شده‌است. بناهای پابرجا که در احاطهٔ این دیوارها قرار دارند عبارتند از: ارگ هرات یا قلعهٔ اختیارالدین دژی از خشت پخته، متعلق به سدهٔ پانزدهم میلادی، که بر روی یک بلندی قرار دارد، و مسجد جامع هرات ، که اگرچه قسمت اعظم آن نوسازی شده، نمونه‌هایی برجسته از تزئینات اسلامی، از خشت‌کاری‌های سلسله غوریان متعلق به سدهٔ دوازدهم میلادی تا کاشی‌کاری‌های تیموریان متعلق به سدهٔ پانزدهم و شانزدهم میلادی است.

با این وجود، بناهای مهم شهر خارج از این دیوارها واقع هستند. درست در بخش شمالی این دیوارها گُهندژ قرار دارد، که احتمالاً بقایای سدهٔ سیزدهم این شهر است. در بالای آن، بُقهٔ شاهزاده ابوالقاسم واقع بوده، که یک زیارتگاه بجای‌مانده از عصر تیموریان متعلق به سدهٔ پانزدهم است. کمی آنطرفتر بسوی شمال، مسجد گوهرشاد هرات و شش

مناره بسیار ظریف کاشی‌کاری‌شده از خشت فاینز (faience) و متعلق به سده‌های چهاردهم و پانزدهم میلادی دیده می‌شود. همگی اینها بقایای مجموعه‌ای از سه بنای بجای‌مانده هستند: مجتمع مصلاي هرات|مصلاي گوهرشاد، مدرسه سلطان حسین بایقرا، و بقعه میر شهید یا عبدالله الولید، بنایی گنبدی متعلق به سال ۱۴۸۵/۶، واقع در ۲۰۰ متری جنوب غرب دیوارهای شهر در اوایل سده نوزدهم، منشوری با خط میخی از دوره هخامنشیان و نشان‌ها و گوهرهایی از دوره ساسانیان بطور تصادفی در هرات پیدا شده‌است.

کابل

شهری است بزرگ که بخاطر نوسازی‌های اخیر بر روی بناهای تاریخی، ویژگی و گستردگی آن نامشخص است. کابل در میان سه کوه شیردروازه، آسمانی و تپه مرنجان واقع است. تنها بقایای موجود بالاحصار کابل و دیوارهای شهر بر روی کوه شیردروازه‌است که مجموعه‌ای است از دژهای سنگی و گلی و احتمالا متعلق به عصر یفتالیان که بر روی آن نوسازی‌های گسترده صورت گرفته‌است. دیوارهای شهر در اصل تا پهنای کوه آسمانی و دشت اطراف ده‌افغانان نیز امتداد می‌یافتند، و شش دروازه داشتند. در کابل شمار زیادی آثار تاریخی چشمگیر بطور تصادفی بدست آمده‌اند، از آنجمله آثار بودایی است که در سال ۱۹۰۵ در زیارت خواجه صفا در شیردروازه کشف شده‌اند، و قریب به ۱۰۰۰ سکه یونانی و هخامنشی که در سال ۱۹۳۳ توسط کارگران ساختمانی در چمن حضوری بدست آمده‌اند.

مزار شریف

مسجد کبود (مزار شریف) زیارتگاه علی بن ابی‌طالب (مسجد کبود یا روضه شریف) از ارزشمندترین نمونه‌های معماری اسلامی شهر مزار شریف است که در دوره سلطان حسین بایقرا بنا شده و در سال‌های اخیر نوسازی‌ها و تزئیناتی در دروازه ورودی و دیگر بخش‌ها صورت گرفته‌است. در قسمت جنوب غربی روضه گنبد و درب (بارگاه) بزرگی دیده می‌شود که احتمالا متعلق به عصر تیموریان است. در داخل رواق کوچکی، در سمت چپ درب ورودی، سنگ قبری تزئین‌شده از مرمر وجود دارد که احتمالا از عصر غزنویان است.

منبع

هنر افغانستان ، تاریخ افغانستان نوشته آرتو کونا ، کارشناس تاریخ افغانستان در ویبسایت ویکی پیدیا و دانشنامه آریانا.

* تاریخچه صنعت در افغانستان نوشته گالینه پوگاچینکوا ترجمه صدیق طرزی چاپ سال ۱۳۵۷ مطبوعه دولتی کابل.

* افغانستان در مسیر تاریخ نوشته میر غلام محمد غبار صفحات ۳۵-۳۶-۳۷-۳۸-۳۹-۴۰-۴۱-۴۵-۴۸-۵۱-۵۲-۵۳-۵۴-۵۶ جلد اول سال انتشار ۱۳۸۸ ه ش

* The Lost World of Buddhist Gandhara هنر بودیزم در گندهاره در وبگاه

The Lost World of Buddhist Gandhara

* گنجینه پنهان افغانستان از موزیم ملی، کابل (AFGHANISTAN Hidden Treasures)

(from the National Museum, Kabul)، نوشته فردریک هیبرت (Hiebert, F.) و پیر

گمبون (Cambon, P.)، انتشارات جغرافیای ملی (National Geographic)، واشنگتن،

۲۰۰۸

* تاریخ باستان افغانستان، آثار تاریخی افغانستان، باستان شناسی افغانستان، تاریخ افغانستان نوشته

روف مهدیزاده کابلی در دانشنامه آریانا

* Afghan rug ویکی پیدیا انگلیسی

* تاریخچه سرمایه گذاری افغانستان نوشته ایمیل هاشورا در هفته نامه کلید و وبگاه «بسا»

* آی خانم یک شهر یونانی باختر در شمال افغانستان از حفريات تا دستبرد کامل نوشته محقق محمد

اکبر امینی در ویبسایت کابل نات

http://www.kabulnath.de/Salae_Panchoum/Shoumare_93/M.A.Amini.html

* کتاب تشکل سرحدات و واحد های اداری افغانستان در مسیر تاریخ نوشته شده توسط پوهنیار فهیم

"کوشا" استاد دیپارتمنت تاریخ صفحات 25-26

* مجسمه های بامیان؛ نگارگری و پیکرتراشی بودایی نوشته: زهرا لطفی ؛ دانشجوی دکتری تاریخ

دانشگاه شهید بهشتی در وبگاه پژوهش سرای افغانستان

http://afghanistanhistory.net/home/index.php?option=com_content&task=view&id=156&Itemid=3